

مقبره چهل دختران دامغان

شهر دامغان از شهرهای مهم ایران و دارای برج محکم و خندقی بوده و برجهای اطراف شهر در بعضی از نقاط تاکنون باقی است و آثار عتیقه در این شهر بسیار است. از جمله آنها مسجد تاریکخانه و مناره اش، مقبره پیر علمدار، مسجد جامع و گلدسته اش و مقبره و برج چهل دختران را می توان نام برد. روی هم رفته می توان گسترش و آبادی دامغان را در قرون پنجم و ششم که همزمان با دوران حکومتی آل بویه، آل زیار و سلاجقه است. مورد بررسی و مطالعه قرار داد. قدرت و نجابت معماری این دوره می شک به بهترین صورتی در مساجد و اماکن مذهبی دامغان تجلی کرده است. بقعه آجری چهل دختران که بر طبق کتیبه کوفی موجود، به سال ۴۶۶ ساخته شده، از عمران و توجه به آبادی دامغان در این عصر حکایت دارد. از این جهت مقبره چهل دختران به عنوان یک بنای باشکوه در شهری که دارای اهمیت تاریخی با ارزش و پر از حوادث مهم است، قابل بررسی است. از لحاظ زیبایی، مهمترین واحد مقبره، برج و گنبد آن است. وقار و قدرت به یادماندنی گنبد مربوط به ابعادش نیست، بلکه ناشی از طرح آن است. این گنبد قریب هفتصد سال بدون یک ترک خوردگی در کشوری زلزله خیز دوام آورده که شاهدی است بر ریاضیات دقیق و مکانیک بی عیب معمار این دوره. مقبره چهل دختران یک

آرامگاه خانوادگی بوده است که با تزیینات آجری اعم از نقوش هندسی و کتیبه ها تزیین یافته است. در این گستره، نقش تعیین کننده عامل مصالح ساختمانی در شکل بخشیدن به شیوه های گوناگون معماری و آفرینش فرمها و تزیینات مختلف پدیده ای است که بدون شناخت آن امکان تحلیل درست در زمینه تحول فن و هنر معماری میسر نخواهد بود. زیباترین طرحها و تناسبهای موزون در صفحه های آجری گنبد چهل دختران دیده می شود. گنبد چهل دختران همانند نگینی بر خطه سرزمین دامغان است که می بایستی در اجرای تزیینات آن و حفاظت و بازسازی دوباره اش از معماران قدیم و جدید ایرانی یاری جست.

به رغم اهمیت موضوع حفاظت از بناهای تاریخی و فرهنگی که در زمره پیشینه ارزشمند زندگی فرهنگی مردم بلاخص یومیان منطقه است، به علت عدم کمبود منابع مالی در جهت تدوین و اجرای طرحهای ارزشمند حفاظت آثار باستانی، بی توجهی به این ابنیه وجود داشته و جایگاهشان در توسعه فضای شهری و گسترش شیوه های مدرن و ارتباطشان با محیط شهری و مناظر طبیعی مشخص نشده است. حفاظت فعال و ترمیم و بازسازی و مشخص کردن نقش این بناهای تاریخی در عرصه فرهنگی، بزرگترین راز جاودانه ماندن این گونه ثروت های ملی است.



ادامه یافت. تولیدات و محصولات هنری قرون پنجم و ششم ایران در فرآیند شکل گیری و شکل پذیری نهایی الگوهای کلاسیک هنر اسلامی در ایران و در سرزمینهایی که کمابیش تحت تاثیر مستقیم آن قرار داشتند، اهمیت اساسی و بسیاری داشت. نوآوریهای نقش پردازانه معماران ایرانی در این دوره پی آمدهای وسیعی در پی داشت و تحولی اساسی در معماری ایرانی پدید آورد. تحلیل درخشان هنرمندان در به کارگیری گستره وسیعی از عناصر آرایشی و تزیینی در توازن با یکدیگر، آثار ماندگاری به وجود آورد. قدرت و نجابت معماری این دوره بی شک به بهترین صورتی در مساجد و اماکن مذهبی دامغان

شهر دامغان از شهرهای مهم ایران و دارای برج محکم و خندقی بوده و برجهای اطراف شهر در بعضی از نقاط تاکنون باقی مانده است و آثار باستانی در این شهر بسیار است. از جمله مسجد تاریکخانه و مناره اش، مقبره پیر علمدار، مسجد جامع و گلدسته اش و مقبره چهل دختران. روی هم رفته می توان گسترش و آبادی دامغان را در قرون پنجم و ششم که همزمان با دوران حکومتی آل بویه، آل زیار و سلاجقه است. مورد مطالعه و بررسی قرار داد. دوره حکومتی آل بویه، آل زیار و سلاجقه در ایران تقریباً روی هم دو سده ادامه یافت که در ربع دوم قرن پنجم با فتوحات آنها شروع شد و تا استقرار ایلخانیان در ربع قرن هفتم

زیارتگاهها را حاکمان و حکمرانان محلی برپا می‌کردند. به زودی مقبره‌های مهم برای مردان مقدس و صوفیان گوناگونی برپا شدند که سریعاً به حرم تبدیل می‌شدند. اضافه بر این مقابر، می‌توان از ابنیه‌ای که بر روی مقابر جانشینان پیامبر و امامان (علیهم‌السلام) برپا می‌شد نام برد که ساختمان اصلی بنا، به نام امامزاده، در معنای لغوی به نام پسر امام - نامی که اکثریت مقابر امامان به آن مشهورند - شهرت می‌یافتند. اگرچه ریشه وجود مقبره در زمان سلاجقه نیست، ولی در این دوران تمام حرکتها و تلاشها در جهت گسترش مقبره‌سازی گردهم آمد، اما تحول تکامل آن در قرون بعد صورت گرفت. مقبره چهل

تجلی یافته است. بقعه آجری چهل دختران که بر طبق کتیبه کوفی موجود به سال ۴۶۶ ساخته شده از عمران و توجه به آبادی دامغان در این عصر حکایت دارد(۱). مقبره چهل دختران به عنوان یک بنای باشکوه در شهری که دارای تاریخی با ارزش و پراز حوادث مهم است، قابل بررسی است. از لحاظ زیبایی، مهمترین واحد این مقبره، برج و گنبد آن است. وقار و قدرت به یادماندنی گنبد، مربوط به ابعادش نیست، بلکه ناشی از طرح آن است. همه جنبه‌ها با دقت زیادی طرح ریزی شده است و گنبدی متوازن و اصولی را فراهم آورده است. این گنبد تک جداره قریب نهصد سال بدون یک ترک خوردگی در



دختران که یک آرامگاه خانوادگی بوده است بر طبق نوار کتیبه‌ای نزدیک نوک گنبد که با آجرهای فرم دار تشکیل یافته است، هر دو حامی و بچه‌هایش دعای خیر دریافت می‌کنند. حامی این بنا متقاضی پیوستن به پیامبر (ص) است. این نیت و تمایل مشخصه مقبره‌های قرن پنجم است.(۴)

نقش تعیین کننده عامل ساختمانی در شکل بخشیدن به شیوه‌های گوناگون معماری و آفرینش فرمهای مختلف از دوران پیش تا کنون پدیده‌ای است که

کشوری زلزله خیز دوام آورده و شاهدهی است بر ریاضیات دقیق و مکانیک بی‌عیب معمار قرون پنجم و ششم و می‌توان گفت این گنبد نیز همانند گنبد قابوس (۲) به قصد جاودانگی بنا شده است. توسعه تصوف یا صوفی گرایی در این دوران بر توسعه معماری تاثیر گذاشت (۳) که یکی از این تائیرات که از حرکت صوفی‌گرایی ناشی می‌شد، توسعه رویه رشد مقابر و زیارتگاهها بود که بهانه‌ای برای زیارتها و عبادتها بود. به طور کلی این مقابر و

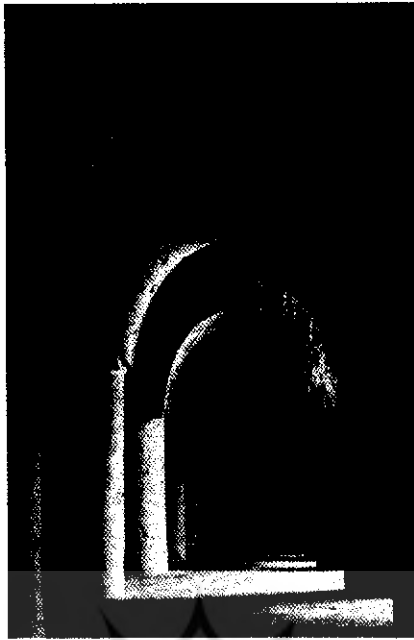
بدون شناخت جامع آن امکان تحلیل درست بر زمینه تحول فن و هنر معماری میسر نخواهد بود. در این راستا آگاهی از چگونگی وضعیت طبیعی و آب و هوایی هر منطقه و گونه‌های مختلف مواد اولیه موجود در آن منطقه از بنیادی‌ترین مسائل به شمار می‌رود. ولی آنچه باید بدان بهای فراوان داد عبارت است از نقش عامل انسانی به عنوان نیروهای اصلی و بهره‌جوینده از تمامی مواهب و امکانات طبیعت برای خلق آثاری مفید، زیبا و دیرپا. معماران قرون پنجم - ششم گل و سنگ و چوب را به عنوان مصالح اصلی در ساختن بناها مورد استفاده قرار داده‌اند. ولی تکیه اصلی در عمده بخش‌های این سرزمین بر گل قرار داشته است. شاید بدین علت که ایرانیان از دیرباز پیوندی خاص با آب و خاک داشته‌اند و این دو پدیده مهم طبیعت را ارج می‌نهادند. معماران از طریق به کار گرفتن گل در ساختن چینه‌ها، سپس ایجاد خشت‌های ابتدایی و تکامل بخشیدن به آن از طریق کشف آجر به یاری آتش، به آفرینش‌ها و شاهکارهای گوناگون معماری دست یافتند. با نگاهی به بناهای موجود در دامغان از قرون پنجم - ششم که حدود هزار سال از بنای آنها می‌گذرد، این نکته مشخص و مسلم می‌گردد که کلیه نیروهای کششی و فشاری و حتی برشی به گونه‌ای حساب شده و دقیق به آجر و چوب منتقل شده و آنها توانسته‌اند تحمل کافی داشته باشند و از این طریق ایستایی بنا محفوظ بماند. ساختن آجرهای مقاوم در برابر آب، فشار و رنگهای مختلف، حاصل تجربه‌ای آگاهانه و متکی بر شناخت جنس خاک و مواد داخل آن است. چیدن آجر در بناها به منظور عرضه نماهای تزیینی متناسب با شکل و هیئت کلی بنا آجرکاری نامیده می‌شود. (۵) آثار گوناگون معماری به جای مانده از دورانهای مختلف بعد از اسلام ایران شاهد نمونه‌های پرارزش از هنر استادکاران ایرانی در آفرینش سطوح‌های آجری در زیباترین طرحها و تناسبهای زیبا و موزون است. به عنوان مثال می‌توان به مناره مسجد جامع سمنان متعلق به قرون پنجم و ششم، مناره مسجد جامع ساوه به تاریخ ۵۰۴، مناره مسجد علی اصفهان از اواخر قرن ششم، پایه مناره چهل دختران / اصفهان از قرن ششم، مناره گلپایگان از قرن ششم، مناره مسجد تاریکخانه دامغان از اوایل قرن پنجم مناره مسجد جامع این شهر، حدود قرن ششم اشاره داشت. توانایی بنایان ایرانی در ایجاد سطوح‌های آجری شکوهمند و چشم نواز چنان است که بسیاری از ابنیه این مرز و بوم با وجود گذشت هزار سال از عمرشان، همچنان از جلوه و شیوایی پر جاذبه‌ای برخوردارند. در مواردی

بسیار جاذبه سطح‌های تزیینی وسیع بناهای آجری ایران، از بناهایی که با چند گونه مصالح مختلف بنا شده‌اند بیشتر است. کاربرد گسترده آجر در گونه‌های مختلف تزیینی حالت آرگانیک این ماده را در ارتباط با شکل بنا حفظ کرده و در عین حال به جنبه‌های تزیینی و زیبایی بنا توجه شده است.

در قرون پنجم - ششم، هنر آجرکاری، بدون وقفه در خلق آثار شکوهمندی چون مسجدها (مسجد جامع اردستان ۵۷۶، مسجد جامع زواره ۵۴۸، مسجد جامع گلپایگان ۵۱۴ و مسجد جامع اصفهان ۶۱۴) مقابر (مقبره پیر علمدار و مقبره و برج چهل دختران) نقش اساسی بر عهده داشته است. بر حقیقت از این دوران می‌توان به عنوان «دوران گسترش و تکامل هنر آجرکاری» یاد کرد. (۶) و از این سو هنر آجرکاری دوران حکومتی سلاجقه در بنای مقبره‌ها به علت وجود فرقه‌های صوفی‌گری به عالی‌ترین اوج خود رسید که از زیبایی و جاذبه‌ای چشمگیر برخوردار بود. کاربرد حاشیه‌ها، نوارهای تزیینی متناسب با حجم و شکل بدنه و گنبد، معرف هماهنگی و پرداخت استادانه‌ای است که در آثار هنری ایران از جایگاه و شایسته‌ای ممتاز برخوردار بوده است. در این میان گنبد چهل دختران از بهترین نمونه آجرکاری این دوران به شمار می‌رود. این بنا با الگوهای آجری پیچیده‌اش همان نسبت و تکنیکی را که در سایر ساختمانهای قدیمی دامغان دیده می‌شود و از قرون پنجم - ششم به یادگار مانده، بازگو می‌کند. چهل دختران در حقیقت بقعه‌ای است که از قرن پنجم در دامغان باقی مانده است. این بنا در محوطه بنای امامزاده جعفر قرار دارد و اندازه آن ۷/۸۰ متر قطر و ۱۴/۸ ارتفاع است که شکل و فرمی شبیه بقعه پیر علمدار دارد. (۷)

بنای مقابر و گنبدهای آنها که در سالهای اولیه دوران اسلامی به صورت بسیار ساده و در قرون اولیه با مختصر زیب و زینتی همراه بود لکن بعدها نه فقط آجرکاری این مقابر همراه با تزیینات آجری مورد توجه هنرمندان ایرانی قرار گرفت، بلکه با به کارگیری آجرهای گوشه‌دار، مقرنسهای زیبا و قطار بندیهای آجری و کتیبه‌های کوفی و انواع و اقسام خطوط و آرایشهای متن کتیبه و همین طور نقوش هندسی، در ارائه هنر و نوق شهرت بسزایی یافت. بنابراین یکی از مشخصات دیگر بناهای قرون پنجم - ششم در مناطقی چون خراسان، سمنان، اصفهان و دامغان این است که نمای خارجی مقابر و گنبدها که بخش‌های متعدد با تزیینات آجری متفاوت دارد، با نقوش هندسی همانند کثیرالاضلاع‌ها، مستطیل‌ها، مربعها، مثلثها، لوزیها، زیگزاگها، صلیبی‌ها، مشبکها

و ریزه‌کاریهای فوق‌العاده جالب و چشمگیر که با آجرها در اندازه و حالت‌های متفاوت ایجاد شده تزیین یافته است. همین ذوق و دقت است که بناهای قرون پنجم-ششم را به صورت زیباترین آثار معماری درآورده است. در این میان اهمیت کتیبه‌های ارائه شده در خطوط بسیار عالی، در جهت ابهت و زیبایی بنا بر کسی پوشیده نیست. به طور کلی خط همواره نقش اصلی و مهمی را در هنر معماری ایران ایفا کرده است. اگرچه خط کوفی و انواع آن در معماری تمام ممالک اسلامی به کار برده می‌شد، ولی



می‌گیرد. این جمله در این بقعه با «امیر متعالی» و چند کلمه دیگر در جهت دعای آمرزش گناهان ادامه می‌یابد. با اسامی «ابوشجاع» و «اسفرین شیراویه» و سه کلمه دیگر که معنای گدایی یا گدا(۹) دارد و دو کلمه دیگر که به دنبال می‌آید می‌بایستی قسمتی از اسم و مشخصات باشد. کلمه آخری به روشنی اصفهان خوانده می‌شود. «ابوشجاع اسفربیکی، پیر اصفهان» که نام این حامی و مشوق با دعایی زاهدانه در درگاه مقبرهٔ چهل دختران که می‌گوید: سلطنت و «حکم‌فرمایی مخصوص

ایرانیان با ابتکار جالب توجه و به کارگیری این خط در تزیین گنبدها و مناره‌ها که از قرون پنجم و ششم رواج یافت، در به وجود آوردن اشکال مختلف و انواع گوناگون آن نقش بس ارزنده‌ای را ایفا کرده‌اند. (۸) بنای مقبرهٔ چهل دختران همراه با گنبد بزرگش و مزین شدن نمای خارجی‌اش با الگوهای هندسی و خطاطی که مشخصهٔ مدارس و مساجد و مقبره‌های آن زمان است. همانند نگینی است بر خطه سرزمین دامغان که می‌بایستی در اجرای تزیینات آن و بازسازی دوباره‌اش از معماران قدیم و جدید ایرانی قدردانی کنیم. نوار کتیبه‌ای زیر قرنیس‌های آجری، به رغم اندازه و سیعش، کاملاً مشخص و خوانا نیست. اما باید از دوباره‌سازی کتیبه‌ها ممنون باشیم که حداقل می‌توانیم بفهمیم که کتیبه یک متن پایه‌ای است، بنابراین مقایسه آن با دیگر

خداست» همراه می‌شود. جمله‌ای که به دنبال این نیایش می‌آید بیان می‌کند که چرا حامی این گنبد را برپا کرده است. مقبره‌ای برای خواب ابدی خود و پسرانش آماده کرده، به امید این که خداوند آنها را ببخشد و به پیامبر گرامی (ص) ملحق کند. به طور وضوح روشن است که در اغلب موارد هدف از ساخت بنا هم در کتیبه آمده است که اغلب برای جلب رضایت خداوند و در جستجوی بازبانی عوض آن از خداوند، برای در امان ماندن از عذابش و شفاعت از انتقام جویی‌اش بوده است. (۱۰)

شهریار عدل و ملکین شیروانی (۱۱) مشخصاتی پذیرفتی و معقول برای حامی و مشوق چهل دختران در دامغان پیدا کرده‌اند. بر اساس این نظریه او یک دیلمی بوده و اسفر پسر کردیه نام داشته است. او از

اواخر قرن چهاردهم همدم و همراه منوچهر زیاری در جنگهای بین آل بویه و زیاریان بوده است. وقتی طغرل سلجوقی پادشاهی و قلمرو زیاریان را گرفت، او مرداوینج بسو را به عنوان مسئول در آنجا گذاشت. پس از



متن‌های پایه‌ای ما را قادر می‌سازد که اجزای و ترکیبات جمله‌های آن را مشخص نماییم. کتیبه با این جمله آغاز می‌شود: «امر بنای این گنبد»، این جمله شاخص همه متن‌های پایه‌ای است که در صدر همه جملات قرار

مرگ مرداوینج در سال ۴-۴۳۳ پسرش جستان جایش را گرفت. طغرل بزودی او را با اسفر عوض کرد. اما در همان سال طغرل دامغان، طبرستان و گرگان را تحت کنترل پسرعمویش قتلوموش درآورد. عدل و ملکین شیروانی بر این عقیده هستند که اسفر از پست قبلی اش معزول گشت و نایب قتلوموش دامغان شد و مقبره خانوادگیش را در آنجا در سال ۴۴۶ ساخت که همان مقبره چهل دختران است. کلمه و واژه «بلی» احتمالاً به پاسخگویی و احترام قیمومیت امرای سلاجقه اشاره دارد. اسفر می‌بایستی هنگامی که دستور ساخت مقبره را صادر می‌کرد یک پیرمرد بوده باشد و این از آنجایی است که او به عنوان همراه و همکار منوچهر عنوان شده، هنگامی که قابوس قدرنمایی خود را در تاریخ ۳۸۸ به نمایش گذاشت. سنس توضیحی است بر این مطلب که چرا او خودش را پیر خطاب کرده است.

به طور مشابه مقبره دیگری در دامغان وجود دارد که برای حاکم زیاری ابوجعفر محمد به وسیله پسرش بختیار ساخته شد و به عنوان پیر علمدار شهرت پیدا کرد. بنابراین کلمه پیر، لزوماً به رؤسای صوفی نیز اطلاق می‌شده است. نوع خطی که برای کتیبه چهل دختران استفاده شده است تحول و تکامل خط کوفی را منعکس می‌کند. تحول و تکاملی که در طول سی سال پس از بنای پیر علمدار که در نزدیکی این بنا قرار گرفته، نشان داده می‌شود. حروف کتیبه اصلی استادانه‌تر کار شده و نقطه‌ها بیشتر استفاده شده، بنابراین تزئین فرمهای قسمت بالایی بالانسی نسبت به بدنه حروف قسمت پایین است. کوفی‌های مشبک و درهم بافته شده به کوفی حاشیه‌ای و مرزی مبدل شده است.

همانند مقابر قدیمی‌تر، چهل دختران خط متفاوتی را برای خطوط مرزی گچ‌بری شده بر روی درگاه استفاده می‌کند. نوار خطی اولیه کوفی ساده برای جملات مقدس و مذهبی استفاده می‌شد. نوار خطی بعدی، کوفی درهم بافته شده‌ای است که حروف سین، صاد و کاف درهم پیچیده شده‌اند و سرکش‌ها طوری به هم متصل می‌شوند، همانند لام و الف در الامیر، که طرحی مشبک و استادانه را ارائه می‌دهند. به رغم این که بیشتر بناهای تاریخی دامغان تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی ایران قرار گرفته است ولی کمبود منابع مالی کافی برای تدوین و اجرای طرحهایی که بناهای تاریخی را در زندگی فرهنگی این ملت بخصوص بومیان منطقه دخالت دهد، سبب شده که بی‌توجهی به این ابنیه ارزشمند و اسناد تاریخی وجود داشته و کمتر به جایگاهشان در

توسعه فضای شهری و گسترش شیوه‌های مدرن توجه شود و از این رو ارتباطشان با محیط شهری و مناظر طبیعی مشخص نشود. شاهد هستیم که به تدریج در مجاورت این بناها، بدون در نظر گرفتن معیارهای حساب شده ساختمان‌سازی می‌شود و بناهای تاریخی در لابلای ساختمانهای مدرن و سر به فلک کشیده پنهان می‌ماند و شناخت ارزش فرهنگی و تاریخی آنها را به دست فراموشی سپرده می‌شود. حفاظت فعال و ترمیم و بازسازی همیشگی و مشخص کردن نقش این بناهای تاریخی در عرصه فرهنگی، فرضاً به عنوان موزه، بزرگترین راز جاودانه ماندن این گونه ثروتهای ملی است.

● باورقی‌ها:

۱. احمد موسوی «تاریخ شهر دامغان» بناها و شهر دامغان، تهران، مؤسسه علمی فرهنگی فضا، ۱۳۶۸، صفحه ۵۵.
۲. این کتیب که تقریباً در بناهای قرون پنجم و ششم بی‌مانند است، ممکن است یک دستاورد ارمنی باشد که کلیسای جامع در آنجا به صورت خوشه‌ای از ستونها و حالت عمودی تجلی کرده است. سلجوقیان این بنا را از طریق لشکرکشی طغرل یک به ارمنستان می‌شناختند. در آنجا دو مسجد ساخته شده و جانب است که ضیاءالملک (پسر نظام‌الملک) در آنجا یک پل و یک بنای گنبددار ساخت. نگاه کنید به: K.A.Creswell, Early Muslim Architecture, London and New York, 1931, Vol.1, P.7
۳. جهت اطلاعات بیشتر در مورد صوفی‌گرایی و علل آن به کتاب زیر مراجعه فرمائید: Leonard Lewisohn, The Legacy of Mediaeval Persian Sufism, London, Khaniqahi Nimatullahi Publications, 1992.
۴. مقبره‌ای در مهماندوست که در سال ۴۹۰ ساخته شد دربرگیرنده این مشخصه است. همچنین در چندین مقبره قلعه دار در سیرف از تاریخ قرن ششم این فعل و واژه به کار رفته است. مقبره یحیی بن زید مشهور به امام خورده که در «سارپول» در میانه قرن پنجم ساخته شده کلمه مشابه‌ای استفاده می‌کند. نگاه کنید به: Nicholas, Lowick, Sirafxv: The Coins and Monuments Inscription, London, 1985, PP.106-7,111
۵. پرویز ورجاوند، «تزیینات معماری اسلامی، آجرکاری» معماری ایران، هنر اسلامی، گردآورنده: محمدیوسف کیانی، تهران، چاپخانه ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶، صفحات ۳۰۹-۳۰۷.
۶. پرویز ورجاوند، «تزیینات معماری اسلامی»، صفحات: ۳۱۹-۳۱۴.
۷. پیر علمدار دارای سقفی مدور و مخروطی شکل است. نمونه‌ای که به بقعه‌های رزن و لاهیجان شبیه است، که البته کمی پهن‌تر و کوتاه‌تر است. این بقعه دارای بلندی مشابهی است اما قرنیس‌ها، گچ‌بریها و کتیبه‌ها پهن‌تر و استادانه‌تر پرداخت شده‌اند. کتیبه‌ها در چهل دختران دارای اندازه ۱/۲ متر، اما در پیر علمدار تنها ۷ سانتی‌متر است.
۸. محمدرضا مخلصی، «مناره‌ها» معماری ایرانی، گردآورنده: محمدیوسف کیانی، تهران، چاپخانه ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶، صفحات ۲۹۰-۲۸۷.
۹. کلمه گدا عنوانی بود که به وسیله قراخانیان رسماً استفاده می‌شد و برای اولین بار به وسیله سلجوقیان طغرل استفاده شد و در زمان سلاجقه ایران این کلمه در کنار کلمه امیر استفاده می‌شد.
۱۰. به عنوان مثال حاکم سلجوقی در قزوین دهه قرن ششم دستور ساخت مسجد جامع این شهر را داد که هدقش همان «رضایت خداوند و شفاعت اوست» که در متن کتیبه این مسجد به صورت گسترده‌تر آمده است.
- ۱۱- Adle and Melikan - Chirvani, Mounuments duxle -1
Sic'le du Damqan, Studies Iranica 1,(1972). P.252.